

بررسی پرونده مرگ دو کودک در تهران نشان داد، آنها بر اثر مسمومیت با قرص برنج فوت شدند.

به گزارش خبرنگار جام جم، شامگاه بیست ویکم مرداد امسال، پسر یک و نیم ساله و هشت ساله که با والدین خود در یکی از محله های مرکزی تهران زندگی می کردند، بعد از خوردن ماکارونی که مادر خانواده درست کرده بود، بد حال شده و در بیمارستان فوت کردند. پزشکی قانونی موفق نشد به درستی درباره علت مرگ آن دو کودک اعلام نظر کند و مشخص شد غذا سالم بوده است. معلوم شد بچه ها در

سرنخ های جدید درباره مرگ مرموز دو کودک تهرانی

متهم ردیف اول پرونده «رضایت خودرو طراوت نوین» از خود دفاع کرد

کارآفرینی با ۲۷ هزار شاکی!



دومین جلسه دادگاه رسیدگی به پرونده کثیرالشاکی «رضایت خودروی طراوت نوین» به ریاست قاضی کلهر در دادگاه ویژه رسیدگی به جرائم اخلاگران در نظام اقتصادی کشور در استان قزوین و با حضور نماینده دادستان، متهمان، وکلای آنها و شکات پرونده برگزار شد. متهم در این جلسه خود را کارآفرین معرفی کرد.

به گزارش جام جم، در ابتدای این جلسه یکی از شاکیان گفت: از محضر دادگاه تقاضا دارم حقوق هزاران نفر که در این شرکت

سرمایه گذاری کردند و مال و زندگی خود را با هزاران امید در اختیار این شرکت قرار دادند، استیفا کنند. در این مدت فرزندم بیمار بود و به علت این که سرمایه ام در اختیار این شرکت بود، نتوانستم آن گونه که باید کارهای مداوای او را انجام دهم، چون پولی نداشتم و به همین خاطر نوزاد خود را از دست دادم.

سپس وکیل شکات در جایگاه قرار گرفت و گفت: به دلیل تبلیغات فراوان در سطح شهر، مردم تصور می کردند این شرکت فعالیت اقتصادی سالم دارد. مسئولان شرکت وجوه را دریافت و در امور دیگر مانند خرید ملک،

ارز دیجیتال و موارد دیگری که سود بیشتر داشت، هزینه می کردند. آثار سوء این پرونده باعث فروپاشی برخی خانواده ها شده است. پس از اظهارات وکیل شکات، رئیس دادگاه خطاب به متهم ردیف اول پرونده گفت: با توجه به دلایلی که در کيفرخواست به آنها اشاره شده، شما اموال مردم را جمع آوری و حیف و میل کردید و موجب اخلا در نظام اقتصادی کشور شدید و اقدام به خرید و فروش عتیقه جات و آثار فرهنگی کرد اید. اتهامات به شما تفهیم می شود و در این رابطه از خود دفاع کنید.

مکت

کار می شود. او برای امرار معاش، شارژ سیمکارت های اعتباری را نیز خرید و فروش می کرد تا این که در سال ۱۳۹۲ اقدام به خرید و فروش خودرو و سپس راه اندازی یک نمایشگاه خودرو می کند. شش سال بعد هم این شرکت را تاسیس کرد. او را تشکیل یک شبکه متشکل از اعضای خانواده و بستگان خود و همچنین افراد دیگر با عنوان

از فروش شارژ تاکلا به برداری بزرگ

این متهم در حالی دیروز خود را کارآفرین معرفی کرد که بررسی گذشته اش نشان می دهد، پس از اتمام دوران سربازی در یکی از ارگان های دولتی مشغول به

بزرگ تر را به مدرسه می بردم. یک سال و نیم وظیفه نگه داری از آن دو کودک را برعهده داشتم. در این مدت اتفاقی برایشان رخ نداده بود و آن روز هم آن دو را سالم تحویل والدین شان دادم. محسن اختیاری، بازپرس شعبه اول دادسرای جنایی تهران با تأیید این خبر به جام جم گفت: با توجه به گفته های این زن، مأموران از مسئولان بیمارستان هم تحقیق کردند، معلوم شد مرگ دو کودک بر اثر مسمومیت با قرص برنج بوده است؛ بنابراین قرار شد که پزشکی قانونی با سم شناسی مشخص کند آنها به قتل رسیده اند یا نه.

در ادامه متهم ردیف اول پرونده در جایگاه قرار گرفت و به دفاع از خود پرداخت. متهم ردیف اول پرونده که بیش از ۲۷ هزار شاکی دارد، مدعی کارآفرین بودن شد و ابراز کرد، متکرحق و حقوق سرمایه گذاران نیستم. وی در رابطه با خرید ملک در امارات اظهار کرد: یک دفتر تجاری و مسکونی در دبی برای یک شرکت صادرات و واردات مواد غذایی به قیمت ۱۲ میلیارد تومان خریداری کردم. در جلسه دادگاه، متهم ردیف اول مدعی شد اگر اموال مجموعه تحت مدیریت او توقیف نمی شد، می توانست بخش زیادی از سود شکات را بپردازد.

قاضی گفت: چه میزان سود به مردم می دادید؟ متهم گفت: یک قرارداد به قیمت پایین تر از بازار برای یک خودرو بسته می شد. پول این خودرو طی فرآیندی وارد چرخه اقتصادی می شد. موعد تحویل خودروها چهار ماهه، شش ماهه و هشت ماهه بود. سود پرداختی از تورم پرداخت می شد. قاضی گفت: چه اموالی از شما توقیف شده است؟

متهم در پاسخ گفت: یک کارخانه با هفت خط تولید و سردخانه و

انبار آن، ۶۰ واحد مسکونی و زمین های مسکونی و تجاری و صنعتی در تاجکستان و قزوین و ۱۸۰ دستگاه خودرو.

قاضی گفت: ۴۲ همت باید به مردم پول بدهید. چکار می کنید.

متهم گفت: فرصت دهید خط تولید شرکت راه اندازی شود تا پول مردم را پس دهم. در ادامه، حداد، نماینده دادستان گفت: متهم در تمام مراحل کارشناسی حضور داشت. اگر پرداخت مطالبات برای متهم مقدور بود، انجام می شد. متهم در هر زمان یک عدد برای مطالبات اعلام می کند که نشان می دهد سیستم حسابرسی درستی ندارد. شما نباید به تورم کشور امید ببندید و به حساب تورم به آنها سود پرداخت کنید. نماینده دادستان خطاب به متهم گفت: شما می گوید که کارخانه ای با هفت خط تولید به ارزش ۱۳ همت دارید، در شرایطی که این کارخانه راه اندازی نشده است. اگر بخواهید خودتان این کارخانه را خریداری کنید بیشتر از پنج همت پرداخت نمی کنید. شما از آینده های دور و پیش بینی ها صحبت می کنید. محلی برای پرداخت اموال مردم وجود ندارد، چون خودتان گفته بودید همه پول را خرج کرده بودید. تنها راه جذب افراد جدید بود، زیرا منبع مولدی ندارید. در پایان قاضی ختم جلسه را اعلام کرد و گفت: جلسه بعدی در موعد مقرر برگزار می شود.



بازاریاب، با انجام تبلیغات گسترده در استان قزوین و سایر استان های مجاور، در فضای مجازی اقدام به انجام کارهای عام المنفعه در مؤسسه خبریه می کند. وی از این طریق اعتماد افراد زیادی را جلب و مبادرت به عقد قرارداد با مردم جهت تحویل خودرو با قیمت کمتر از بازار می کند.

عدلیه

مهلت زندگی به سه قاتل و یک متجاوز

دادسرای جنایی تهران رفته بودند که همین باعث شد او دو هفته مهلت بگیرد اما مهلت تعیین شده پایان گرفت و او موفق نشد از خانواده مقتول رضایت بگیرد و برای مرتبه دوم می خواست پای چوبه دار برود که کمش متوقف شد.

زندانی دوم، فرهاد نام داشت او ششم بهمن ۱۳۹۴ بر سر کل کل با مردی جوان، او را با ضربه های چاقو به قتل رساند و بعد از محاکمه حکم قصاص گرفت. فرهاد در دو سال گذشته دو مرتبه تا پای چوبه دار رفته بود که توانسته بود مهلت بگیرد و این بار برای مرتبه سوم پای چوبه دار رفت که توانست دو هفته برای جلب رضایت خانواده مقتول مهلت بگیرد.

سومین زندانی شهاب بود. او با تاجری میناسال که شرکت مواد غذایی و شوینده داشت اختلاف مالی ۶۰۰ میلیون تومان پیدا کرده بود اما موفق به پرداخت بدهی اش نشد. او که تصمیم به قتل مرد تاجر گرفته بود، ابتدا با ریختن سیباز در نوشیدنی اش قصد داشت نقشه اش را اجرا کند که موفق نشد. سرانجام اوایل



بدون نوشته به او دادم. اما او پارچه ای به من نداد و حتی از سفته های امانتی سوءاستفاده کرد. سر این موضوع درگیر شده و او قصد داشت با چاقو مرا بزند که او را زده و بعد خونریی کردم. سالار صنعتگر، بازپرس شعبه سوم دادسرای جنایی تهران با تأیید این خبر به جام جم گفت: متهم به قتل در بازداشت به سر می برد و قرار شد پزشکی قانونی سلامت روانی او را بررسی کند.

قتل تاجر پارچه با ضربه های چاقو

مرد ۶۵ ساله در جریان اختلاف کاری با تاجر پارچه او را با ضربه های چاقو به قتل رساند.

به گزارش خبرنگار جام جم، ساعت ۱۹ سه شنبه، ششم آذر امسال دو زن سراسیمه از ساختمان یکی از شرکت های تولید پارچه در جمهوری به خیابان آمدند و برای نجات مرد میناسالی کمک خواستند. عروسک ساد مدیریت بحران استان نیز در این جست و جو به بیمارستان انتقال یافت. با دستور قضایی دو زن که حسابدار و کمک حسابدار مقتول بودند مورد تحقیق قرار گرفتند. زن حسابدار در اظهاراتش گفت: نزدیک به سه سال است برای مقتول کار می کنم. او تاجر معروفی در صنعت پارچه و رویه میلمان است. قاتل را برای

جام جم

حوادث

۱۹

INCIDENT

پنجشنبه ۸ آذر ۱۴۰۳ شماره ۶۹۱۹

محکمه

رسیدگی دوباره به پرونده قتل در کافه مافیا

پسر جوان که در جریان درگیری در کافه مافیا مرتکب قتل شده بود، پس از نقض حکم قصاصش

برای دومین بار محاکمه شد.

به گزارش خبرنگار جام جم، پیرام ۲۲ ساله در این پرونده متهم است تابستان سال گذشته در جریان درگیری در بازی مافیا، مرتکب قتل پسری با ضربه های چاقو شده است. متهم پس از دستگیری به این قتل اعتراف کرد و پرونده اش برای رسیدگی به دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد. در جلسه رسیدگی به این پرونده در شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران، اولیای دم درخواست قصاص کردند.

متهم در دفاع از خود گفت: من دوستانم در یک کافه در جنوب تهران مافیا بازی می کردم. ایلیا (مقتول) هم برای بازی به آن کافه می آمد. یک شب دختری که کنار ایلیا بود، جایش را تغییر داد کنار من نشست. بعد هم در اینستاگرام پیام دوستی داد که ابتدا رد کردم. دوباره فرستاد که این بار قبول کردم. صبح روز بعد دیدم ایلیا درخواست دوستی داده که فهمیدم ماجرا شراست و هر دو را بلک کردم. چند شب بعد که برای بازی به کافه رفته بودیم، متوجه شدم ایلیا تصور کرده قصد دوستی با آن دختر را داشته ام. خواستم با او حرف بزنم که دوستانش قرار دعوا گذاشتند. در جریان دعوا او با چاقو ضربه ای به دستم زد و من هم چاقو را از دوستم گرفتم و ضربه ای به ایلیا زدم.

پس از دفاعیات متهم و وکیل مدافعش و باتوجه به درخواست اولیای دم، قضات وارد شور شده، حکم به قصاص پیرهام دادند. با اعتراض پیرهام، پرونده به دیوان عالی کشور ارسال شده که قضات شعبه ۴۸ دیوان عالی کشور حکم را نقض کرده و پرونده برای بررسی بیشتر علت مرگ به دادگاه برگشت. با رافع نواقض در دادسرا، متهم برای دومین بار پای میز محاکمه قرار گرفت. در جلسه رسیدگی اولیای دم درخواست قصاص متهم را مطرح کردند و وکیل آنها گفت: براساس گزارش کارشناسان پزشکی قانونی در ۴۰ مهر امسال، علت تامة مرگ، ضربه چاقو به گردن مقتول بوده است. این موضوع با اقرار متهم برابر است. به همین خاطر درخواست قصاص داریم.

سپس متهم در جایگاه دفاع ایستاد و اظهار کرد: من و ایلیا اختلاف و درگیری نداشتیم. افرادی که باعث درگیری شده و من را در جایگاه قاتل و ایلیا را در جایگاه مقتول قرار دادند، حالا در دادگاه نیستند. من چاقویی همراه نداشتم و آنها به من چاقو دادند. چرا ایلیا را بعد از دو ساعت به بیمارستان رساندند. من یک ضربه به ایلیا زدم. می خواستم به صورتش بزنم که به گردنش اصابت کرد و اتهام قتل عمدی را قبول ندارم. از اولیای دم درخواست بخشش دارم. در ادامه وکیل متهم گفت: پس از نقض رای دادگاه، پرونده به دادسرای شهرداری بازگشت اما دربارۀ بارگی سرخرگ اظهار نظر نمی شد. همچنین باید با شاهدان مواجهه حضوری انجام و موضوع را به پلیس آگاهی ارجاع می کردند که این کار انجام نشد. پزشکی قانونی جای دو بریدگی را اعلام کرده در حالی که پیرهام یک ضربه را قبول کرده است. درخواست تحقیقات بیشتر در دادسرا دارم.

پس از دفاعیات متهم و وکیلش، قضات برای تصمیم گیری وارد شور شدند.

شکایت از همکلاسی به خاطر آزار شیطانی

دانشجوی داروسازی از همکلاسی اش به اتهام تجاوز شکایت کرد. دختر جوان مدعی است برای درس خواندن به خانه پسر جوان رفته بود.

به گزارش خبرنگار جام جم، تحقیقات درباره این پرونده با شکایت دانشجویی به نام صدف در پلیس آگاهی آغاز شد.

او به ماموران گفت: من دانشجوی رشته داروسازی در یکی از دانشگاه های تهرانم. مدتی قبل با یکی از همکلاسی هایم به نام سلمان درباره درس هم صحبت شدم. او دیروز پیامکی برایم ارسال کرد و خواست به خانه شان بروم تادرس بخوانیم. به خاطر اعتمادی که به او داشتم، قبول کردم. وقتی وارد خانه شان شدم تنها بود و به من تجاوز کرد. پس از این شکایت و تأیید آزار و اذیت او از سوی پزشکی قانونی، پسر ۲۸ ساله دستگیر شد اما آزار و اذیت همکلاسی اش را نکردن نگرفت.

پرونده برای رسیدگی به شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد. در این جلسه دختر جوان برای همکلاسی اش درخواست اشد مجازات کرد و گفت: این پسر با رعدۀ درس خواندن مرا به خانه شان کتاند و بدون توجه به التماس، آزار داد. این ماجرا تأثیر بدی در روحیه ام گذاشته و گذشت نمی کنم.

سلمان هم منکر اتهامش شد و گفت: ما دوست بودیم و من صدف را به خانه دعوت کردم و او با میل خودش آمد و تجاوزی در کار نبود.

پس از دفاعیات متهم، قضات برای صدور رأی وارد شور شدند.